

زن، حجاب و عفاف و چالش های پیش روی

مکیه چاوشیان نوش آبادی^۱، حسین اشرفی^۲

^۱ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان، مدرس دانشگاه

^۲ دکتری تخصصی مهندسی مکانیک، استادیار دانشگاه کاشان

نویسنده مسئول:

مکیه چاوشیان نوش آبادی

چکیده

فرهنگ غرب که تحت حاکمیت نگرش های اومانیستی است، با تبلیغات وسیع خود ایده هایی با رنگ و لعابی دلفریب، به جهانیان و نیز به جامعه ایرانی - اسلامی عرضه کرده است. یکی از این پدیده ها بی عفا و بی حجابی است که در اثر عوامل فرهنگی مختلف مانند رسانه ها اعم از تلویزیون، فیلم ها، مجلات، اینترنت، بازی های تصویری رایانه ای، تبلیغات، لباس ها و ... در حال تبلیغ و ترویج است. و اما اسلام با بیان ارزش واقعی زن و اثر او و حفظ کرامت و حقوق زن، با تمامی تفکرات ناصواب و فرهنگ جاهلانه در خصوص زن به مبارزه برخاست و خانواده را میدانی برای تجلی استعدادها، توانمندی ها و عواطف و احساسات زن قرار داد و در عین حال او را به عنوان عضو مؤثر جامعه و مهم حیات انسانی، در مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پذیرفت و در سرنوشت جامعه شریک ساخت و در راستای تحقق بخشیدن به این امر، همگان را به رعایت عفاف و حجاب توصیه نمود. داشتن پوشش مناسب و عفاف قبل از آن که به هر چیزی وابسته باشد، ناشی از فطرت انسان است به عبارت دیگر علت اصلی رعایت حجاب و پاکدامنی آن است که با امور فطری انسان کاملاً مطابقت دارد. مسأله آسیب شناسی حجاب و عفاف یکی از مسائل مهم جوامع اسلامی است زیرا پوشش، نماد حیات اسلام در عرصه های مختلف اجتماعی به شمار می رود. اما عواملی چند این نهاد دینی را با چالش های جدی روبرو ساخته است. در مقاله حاضر به مقوله هایی همچون تولید اخلاق فردگرایانه، تضعیف بعد نظارتی خانواده، کم توجهی به هدایت زمینه های طبیعی میل به خودنمایی در زنان، بکارگیری روش های غلط برای گسترش حجاب، عملکرد رسانه ها و ... پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: آسیب شناسی، حجاب و عفاف، زن، خانواده، رسانه.

مقدمه

در درون اجتماع، زن به عنوان یک موجود ظریف، حساس و پرعاطفه تلقی می شود. کانون گرم اجتماع زمانی می تواند استمرار داشته باشد که برای شایستگی ها و توانمندیهای فردی زنان ارزش و اهمیت قائل باشند. معمولاً نگاه آحاد جامعه در قبال زنان یک نگاه مثبت گرایانه و واقعی بینانه نیست، نگاه ارزشمند، زمانی تحقق می یابد که به فرهنگ ارزشها و واقعیتهای زنان در جامعه توجه همه جانبه کرده باشیم. پیکره فرهنگ ها، قداست ها، حریم ها و حرمت های جامعه تا حدود زیادی به کانون خانواده بستگی دارد و وجود زن در خانواده، بالندگی فرهنگها و پویندگی تمدنها و شکوفایی اندیشه های اجتماعی را به دنبال دارد. هنر مایه ی گرانبهای اجتماع به پدیده پاکدامنی زنان جامعه بستگی دارد. اگر جامعه می خواهد از بحران فسادها و فحشاها و تبعیض های روحی و فکری نجات یابد و اگر افراد به دنبال سلامت و بهداشت روحی و روانی می باشند، بایستی به جایگاه زن و ارزش آن ارج بنهند. چرا که بر هیچ کس پوشیده نیست که نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل می دهند، جمعیتی بزرگ که می تواند تأثیرات مخرب یا مثبتی را بر کل افراد جهان بگذارد. جان آدامز، تأثیر شگفت انگیز زنان در جهان را این چنین توصیف می کند:

«با مطالعه تاریخ، دولتها، زندگی و رفتار آدمها به این نتیجه رسیده ایم که رفتار زنان قابل اطمینان ترین و کم خطراتین شاخص برای تعیین میزان پایبندی یک ملت به اخلاقیات و پاکدامنی است. یهودیان، یونانی ها، سوئسی ها و آلمانی ها همگی زمانی هویت ملی و شکل استقلال طلبانه دولتهایشان را از دست دادند که پاکدامنی خانوادگی و حجب و حیای زنانشان از دست رفت.»^۱

بحث عفاف و حجاب موضوعی نیست که بشود تنها از منظر دینی و مذهبی بدان نگرست بلکه هم اکنون صاحب نظران در عرصه علوم مختلف مانند جامعه شناسی، روانشناسی و زیست شناسی نیز بر لزوم احیای فرهنگ آن در بین افراد خصوصاً زنان تأکید دارند و رابطه مستقیمی را بین سلامت روان و حجاب و عفاف برقرار می کنند.

از نظر تجربی در عرصه پژوهش های میدانی نیز نظریه فوق کاملاً به اثبات رسیده است که هر چقدر میزان پایبندی افراد به حجاب و عفاف بیشتر باشد، اعتماد به نفس، امنیت و آرامش بیشتری در بین آنان ایجاد می شود.

نه تنها در کشور ما که یک جامعه دینی و اسلامی است بلکه حتی در جوامع دیگر از جمله کشور آمریکا زمزمه هایی به گوش می رسد که ندای بازگشت به عفاف را سر می دهند. آنها جوانانشان را سرخورده از بحث هرزه گری و بی عفاف دانسته و تمایلشان را به عفاف و پاکدامنی سر می دهند.

و جالب آنجاست که یکی از رموز ایجاد و پاسداشت عفاف در بین زنان را داشتن پوشش مناسب می دانند و رابطه تنگاتنگی را بین عفاف و حجاب برقرار می کنند.

بنابراین یکی از نیازهای انسان معاصر احیای ارزش ها و فضایل اخلاقی از جمله عفاف و حجاب است که همان ندای فطرت هر انسان است ولی به شرط آن که آینه شفاف فطرت را کدورت و زنگار گناه نگرفته باشد و عوامل چالش زا و موانع موجود، بر کنار رود.

بیان مسأله

موضوع حجاب به عنوان یکی از زیر بنایی ترین ارکان زندگی انسان و ارتباط تنگاتنگ آن با گرایش به معنویت که مهمترین و سازنده ترین نیاز انسان معاصر است، در سده اخیر یکی از دغدغه های مهم فرهنگی جهان به ویژه جوامع اسلامی محسوب گردیده است که می تواند بسیاری از مناسبات اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی و سیاسی جوامع را متأثر سازد، به حدی که گرایش زنان به حجاب در برخی جوامع غرب، تهدیدی بزرگ بر بنیان تفکر سیاستمداران و حتی سرمایه داران اقتصادی به شمار می رود به همین دلیل منع حجاب که در آن دولت ها شدت یافته است، نشانه آشکاری بر درماندگی و ضعف قدرت های حکومتی در برابر تأثیرات عظیم حجاب است.

از نظر تاریخی نیز حجاب و پوشش اسلامی از عمده ترین موانع گسترش حاکمیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی استعمارگران غربی بوده و از زمانهای گذشته تا به حال مخالفت های شدیدی با آن صورت گرفته است. این مسئله که امروزه در قالب تهاجم فرهنگی نمود پیدا

کرده است، رواج فساد و بی بند و باری و انحرافات فکری و اخلاقی را در پی داشته است و سلامت اجتماعی جوامع و کشورهای اسلامی را تحت تأثیر قرار داده است.

در حقیقت حجاب و عفاف بازدارنده بسیاری از التهابات و هیجانات روحی است. نبودن حریم میان زن و مرد، ترویج معاشرت های بی بند و بار و غیره، هیجان ها و التهابات جنسی را فزونی می بخشد و چون ارضای این غریزه در تمامی موارد و به صورت دلخواه ممکن نیست و همیشه مقرون به نوعی احساس محرومیت است، باعث برهم خوردن تعادل روحی و اختلالات روانی در فرد می شود. اسلام با تعدیل و رام کردن این التهابات از طریق محدود کردن نگاه، خضوع در کلام، پوشش و از همه مهم تر رعایت حجاب و عفاف در همه زمینه ها برای فرد آرامش روحی و روانی را به ارمغان می آورد.

بی تردید عدم رعایت پوشش مناسب به عنوان آشکارترین نماد تظاهر غیردینی است. آبخور آن هم توطئه های فرهنگی دشمنان اسلام در جامعه اسلامی است که در جهت مبارزه با نمادهای اجتماعی اسلام پی ریزی شده است و هدف آن بی اعتنائی به سیاست های فرهنگی و اجتماعی نظام اسلامی است. لذا این پژوهش در پی آن است تا مجموعه عوامل و موانعی که این نهاد دینی را با چالش ها و بحران های جدی روبرو ساخته، مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد و در این راستا به اهمیت و نقش رسانه ها بویژه رسانه های تصویری که در تغییر هنجارها و ارزش ها نقش مؤثری دارند، بپردازد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

بر طبق احکام اسلام که بر پایه مصالح و مفاسد تشریع شده است، حیا و حجاب لازمه وجود هر فرد و از ضروریات جامعه بشری است که وجود آن آرامش و سعادت و عدم آن ضایعات جبران ناپذیری را به همراه خواهد داشت. پوشش و حجابی که شرع مقدس اسلام برای زن ضروری دانسته عامل مهمی در بقاء و دوام حریم های اخلاقی می باشد.

آموزه های دینی عفاف را از واجبات، و شخص عفیف را به منزله مجاهد شهید دانسته اند. در این میان، توصیه به عفاف بانوان جایگاهی ویژه دارد، چرا که خروج زن از مواضع عفاف علاوه بر پیامدهای شخصی، مخاطرات اجتماعی بیشتری در پی دارد. رعایت پوشش، حفظ اعتدال در رفتار و پرهیز از تبرج، شرط لازم برای تحقق عفاف است که پیامد آن، پاک سازی فضای عمومی، ایجاد زمینه های امنیتی اجتماعی و افزایش نشاط عمومی برای فعالیت اجتماعی است. پس از توصیه رهبران انقلاب به حفظ حجاب، انتظار آن بود که در طراحی کلان و هماهنگ، همزمان در سه زمینه اصلاح نگرش های عمومی، اخلاق و تمایلات عمومی، و رفتار عمومی اقدام شود. در دهه اول انقلاب، تنها به جنبه قانونی حجاب پرداخته شد. ناکارآمدی این روش و پس از آن، سیاست های تسامح گرای توسعه ای، برخی مسئولان و کارشناسان را به بی تفاوتی نسبت به پی گیری موضوع با تغییر نگرش در مورد آن، سوق داد. البته در این میان، تلاش مجامع بین المللی، رسانه ها و غرب زدگان داخلی را نیز نمی توان نادیده گرفت.

بنابراین لازم و ضروری است در راستای تحقق بخشیدن به اهداف مهم و حیاتی حجاب و عفاف به ویژه در جوامع اسلامی فرهنگ سازی صورت گیرد و در این زمینه از هیچ تلاش و فعالیتی فروگذار نشود و با عواملی که این نهاد دینی را با چالش و انحراف روبرو ساخته، برخوردی جدی و قاطعانه به عمل آید.

هدف از تحقیق

هدف از پژوهش حاضر، برجسته سازی اهمیت رعایت حجاب و عفاف در جوامع اسلامی از سوی افراد به ویژه در بین بانوان و بررسی عوامل و عناصری است که این نهاد دینی را دچار چالش های جدی و معضلات پیچیده ساخته است.

چالش های فرا روی حجاب و عفاف

یکی از مسائل مهم جوامع اسلامی، مسأله پوشش است زیرا حجاب، خصلتی نمادین دارد و علی رغم حملات دشمن در قرون متمادی توانسته به حیات خود ادامه دهد و طیف وسیعی از زنان مسلمان را تحت پوشش قرار دهد. به طوری که می توان آن را به عنوان نماد حیات اسلام در عرصه های مختلف اجتماعی به شمار آورد. البته عواملی چند سبب شده این نماد دینی با چالش های جدی روبرو شود اهم آن عوامل بدین قرار است:

۱. تولید اخلاق فردگرایانه و نسبی گرایانه

این گرایش مبتنی بر رفاه طلبی و لذت جویی بوده و نسبت به سرنوشت جامعه بی تفاوت است.

از مظاهر چنین تفکری خودنمایی و خودآرایی است. از پیامدهای این نوع نگرش، اهتمام نداشتن به تقویت باورهای دینی و ارزش های اخلاقی است و نیز بی توجهی نسبت به کارآمدی دین در عرصه های مختلف اجتماعی است که افراد، اثبات شخصیت خویش را در مظاهر غیردینی مانند تجمل و مدگرایی جست و جو می کنند.

در فرهنگ اسلام هدف غایی خلقت، عبودیت و بندگی خداوند است و این هدف تنها در سایه تقوی، ایمان و عمل صالح به دست می آید. پس مقام اجتماعی، درآمد و سرمایه نمی تواند ارزش واقعی انسان را بنمایاند. قرآن کریم معیار ارزش را این گونه ترسیم می کند: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقِيكُمْ» (حجرات، آیه ۱۳)

از آن جایی که بشر از سویی فطرتاً در پی کسب شرافت و کرامتی است تا از دیگران ممتاز شود و از سویی دیگر، دلبستگی توده مردم به زندگی مادی دنیاست و شرافت را در امتیازات مادی آن از جمله مال و سرمایه جست و جو می کنند و در کسب آن، همه توان خود را به کار می گیرند تا بر دیگران بزرگی نمایند. در حالی که این گونه امتیازات جمله موهوم و عاری از حقیقت است و آن شرافت حقیقی که بشر را به سعادت واقعی اش که همانا زندگی جاودانه در جوار رحمت پروردگار است، سوق می دهد عبارت از تقوی است که به طفیل سعادت آخرت، سعادت دنیا را نیز تأمین می کند. (فتاحی زاده، ۱۳۸۶: ۱۳۸-۱۳۷)

«شما متاع دنیا را می خواهید و خداوند آخرت را می خواهد.» (انفال، آیه ۶۷)

وقتی کرامت و شرافت در سایه تقوی باشد، مسلماً گرمی ترین مردم نزد خداوند، باتقوی ترین آنهاست.

در مقابل، فرهنگ مادی اصل را بر رفاه طلبی و لذت جویی می گذارد و نتیجه ی دنیاگرایی، میل به تجمل و فریبندگی، مطرح شدن طبقه رفاه زده، تمایل عمومی به گناه، فردگرایی و غفلت از سرنوشت جامعه است. از مظاهر چنین تفکری خودنمایی و خودآرایی در جامعه است.

بدیهی است پیاده کردن آموزه های دینی و عینی نمودن دستورالعمل های شریعت، وظیفه آحاد جامعه است. اما در این میان سازمان های فرهنگی حکومت دینی، وظیفه ای مضاعف به دوش می کشند و باید خط مشی کلی جامعه را بر ساده زیستی، تحقیر دنیاگرایی، اجتناب از رذایل اخلاقی و ترغیب جوانان به ازدواج بنا نهند. وقتی فرهنگ سازان جامعه خود گرفتار اسراف و تبذیر شوند، از اخلاق و معنویت فاصله بگیرند، نسبت به مفاسد اخلاقی و ابتذال در پوشش بی تفاوت شوند پیامدهای ذیل، نتایج طبیعی چنین گرایشی است:

- عدم اهتمام به تقویت باورهای دینی و ارزش های اخلاقی سبب می شود نسل جوان نسبت به این ارزش ها بیگانه گشته و نسبت به اعتقادات دینی خود احساس حقارت نماید، و بن بست فکری در این باب، خودباختگی به فرهنگ غرب را در پی دارد.
- بی توجهی نسبت به کارآمدی دین در عرصه های مختلف اجتماعی، جوان را به سمت بی هویتی و پرداختن به ضد ارزش ها سوق می دهد. وقتی پویایی دین در عرصه حیات بشری کم رنگ شود، بدیهی است دختران و پسران، ابزار وجود و اثبات شخصیت خویش را در مظاهر غیردینی مانند خودآرایی و مدگرایی جست و جو نمایند.
- عدم توجه پدر و مادر «به عنوان ارکان خانواده» به ارزش های معنوی، پرداختن به تفریحات ناسالم از قبیل ماهواره، اینترنت و حضور در مجالس لهو و لعب زمینه ی ابتذال فرزندان، گرایش آنان به مظاهر غربی و پوشش نامناسب را فراهم می نماید.

ضعف نگرش های فرهنگی و جامع در سیاست گزاران، برنامه ریزان و مجریان

سیاست گذاری و برنامه ریزی صحیح زمانی امکان پذیر است که با لحاظ جامعیت دین، معضلات اساسی جامعه و آسیب ها شناسایی شود و در جهت رفع مشکلات فرهنگی جامعه گام های اساسی برداشته شود. بدیهی است رو آوردن به عملیات مقطعی و گذرا و غفلت از معضلات اخلاقی جامعه نتیجه عدم آگاهی مجریان و برنامه ریزان است.

بی تردید تحلیل صحیح، برنامه ریزی و سیاست گذاری درست آن گاه میسر می شود که از جزئی نگری و بریده نمودن پیکره ی شریعت پرهیز شود و اجزاء و عناصر مجموعه دین در ارتباط با یکدیگر لحاظ شوند. اما واقعیت این است که گاهی برنامه ریزان به جای آسیب شناسی و پرداختن به معضلات اساسی جامعه، به انجام عملیات مقطعی پرداخته و به اتخاذ برنامه های موقتی رو می آورند. این شیوه، آسیب های جدی بر جامعه تحمیل می کند. آگاهی مجریان و توجه آنان به معضلات اخلاقی جامعه، اختصاص اعتبار مناسب و نیروی انسانی کارآمد و سوق دادن جامعه به سمت اصلاحات می تواند گام مؤثری در رفع مشکلات فرهنگی جامعه باشد.

البته از ضعف فرهنگی جامعه بانوان نیز نباید غفلت نمود، «یکی از معضلات فکری و فرهنگی جوامع، عدم شناخت و آگاهی زنان نسبت به هویت واقعی خود و تمایزات و تفاوت های روحی و جسمی خود با مردان است و تا هنگامی که این آگاهی حاصل نشود، نمی توانند ارزش خود را بشناسند. بنابراین، طبیعی است که در جهت احکام و قوانین مربوط به خود، جدیت و اهتمام لازم را نخواهند داشت و جامعه نیز در انجام تکالیف خود نسبت به زنان کوتاهی خواهد کرد و این همه منجر به محرومیت فرهنگی و دور ماندن زنان از حقوق مسلم شان خواهد شد. بدیهی است ارائه برنامه های آموزشی و تشویق بانوان به فراگیری و اهتمام نسبت به مسایل مربوط به خویش تا حدودی می تواند در رفع این معضل، مفید و مؤثر باشد.» (فتاحی زاده، ۱۳۸۶: ۲۳۰)

۲. تضعیف بُعد هدایتی و نظارتی خانواده

خانواده به عنوان اولین مرکز آموزش کودک به شمار می آید و پدر و مادر هم الگوهای رفتاری او محسوب می شوند و در این مهم، نقش مادر از اهمیت بسزایی برخوردار است:

الف) مادر و تربیت در کودکی

برخی گمان می کنند که نقش مادر در تربیت از زمانی است که طفل او، خوب و بد را تشخیص می دهد و تا حدی قادر به تشخیص مصالح و مفاسد امور می باشد. اما از نظر اسلام تاثیر مادر حتی به دوران بارداری و قبل از انعقاد نطفه نیز مربوط می شود و دوران حمل در سرنوشت طفل بسیار دخیل است و «حتی برخی شروع زندگی آدمی را از لحظه انعقاد نطفه می دانند.» (مظاهری، ۱۳۷۶: ۳۱-۳۰)

«کودک ماه ها در رحم مادر، با جسم و روح او ارتباط تنگاتنگ برقرار می کند. بعد از آن نیز تا مدت ها برای رشد و ادامه حیات خود نیاز به مادر دارد و طول می کشد تا بتواند به تنهایی احتیاجات خود را برطرف کند. تمام این موارد نیاز به صبر و حوصله سرشاری دارد که خداوند به مادر بخشیده تا فرزندانش به سمت کمال پیش بروند و در این وابستگی و احتیاج، حکمتی نهفته است تا کودک پیوسته با مادر ارتباط داشته باشد و تحت تربیت او بزرگ شده و به کمال برسد.» (آیت اللهی، ۱۳۸۱: ۱۹-۱۸)

طفلی که قدم به این دنیا می گذارد این حق را دارد که در کنار مادر باشد و از مهر و محبت او بهره مند شود. هرگاه گریه کرد به او جواب لازم را بدهد، در آغوش او بخوابد و یا شیر بخورد. «حال اگر به درخواست های او کم توجهی شود و پاسخ لازم به واکنش های او داده نشود، کودک در آینده از ثبات شخصیتی سالم برخوردار نخواهد شد و به ناسازگاری اخلاقی روی خواهد آورد.» (فرهادیان، ۱۳۷۷: ۱۵)

«وجود مادر در کنار کودک سبب به وجود آمدن احساس اعتماد نسبت به اطرافیان خواهد شد. این احساس برای کودک بسیار مفید است و سبب می شود تا او بهتر بتواند شکست ها و ناموفقیت ها را در زندگی تحمل کند.» (درویزه، ۱۳۸۲: ۳۴-۳۳)

بنابراین «زندگی کودک به خصوص در دو سال اول آن، دوران بسیار سرنوشت سازی است؛ زیرا شخصیت کودک هنوز شکل نگرفته و برای پذیرفتن هر صورت و شکلی آماده است.» (امینی، ۱۳۷۲: ۱۲۶)

پس وظیفه هر پدر و مادری است که از این ویژگی انعطاف پذیری استفاده کرده و به تربیت کودکان خود اقدام کنند، پیش از آنکه شخصیت آن ها شکل گیرد و دیگر از دست آن ها کاری ساخته نباشد.

ب) مادر و تربیت در نوجوانی و بزرگسالی

همدلی و ایجاد ارتباط دوستانه و صمیمانه راهی است برای جلوگیری از رو آوردن نوجوانان و جوانان به انحراف، جرم و بزهکاری و مادر به عنوان کسی که رابطه مستقیمی با فرزندان خود دارد و سرپرستی خانه با اوست، می تواند این رابطه دوستانه را با فرزندان خود برقرار کند.

«این مادران که با مهربانی و محبت به نیازهای عاطفی دختر و پسر خود پاسخ می دهند، زمینه ساز به وجود آمدن اعتماد به نفس و استقلال در فرزندان خود خواهند شد.» (درویزه، ۱۳۸۲: ۳۲)

مادران سرمشق و الگوی فرزندان خود و شکل دهنده روح و شخصیت آنان هستند. مادرانی که دچار بیماری از خود بیگانگی هستند فرزندان همانند خود تربیت می کنند. مادرانی که در خانواده هایی پرورش یافته اند که دختر و زن مورد تحقیر واقع شده اند، فرزندان تربیت می کنند که آن ها نیز دچار عقده حقارت می شوند و نتیجه ی این احساس حقارت این است که وقتی دختر به سن بلوغ می رسد در برخورد با جنس مخالف رفتار و حرکات نامناسبی از خود بروز می دهد و زیبایی های خود را در اجتماع عرضه خواهد کرد تا مرهمی بر روح بیمار و جبران کننده عقده درونی اش باشد.

«پسران نیز در چنین خانواده هایی بینشی نادرست نسبت به زن پیدا کرده و نسبت به زنان دیگران و همسران خود زورگو و ستمکار خواهند شد.» (سادات، ۱۳۷۲: ۸۱)

«پدران و مادران باید این نکته را مد نظر داشته باشند که دختران و پسران هر کدام تربیت متفاوتی را می طلبند. زیرا هر کدام از دختر و پسر باید در آینده نقش خاصی را در خانواده و اجتماع پیاده کنند. یک مادر از کودکی باید به دختر خود بفهماند که او در آینده می خواهد مادر و همسر بشود. بنابراین باید به مرور زمان به فرزند خود اعم از دختر و پسر نکاتی را که در زندگی آینده نیاز خواهند داشت، بیاموزند.» (حیدری، ۱۳۷۹: ۹)

بی تردید در فرهنگ اسلام، ایجاد فضای سالم خانواده به منظور تربیت فرزندان، مورد تأکید است. روابط خانوادگی باید در هاله ای از ادب و متانت صورت پذیرد و باید فرزندان از القاء تحریکات محیطی دور بمانند.^۲

دین اسلام با تأکید بر برنامه ریزی در امور زندگی، برای حفظ سلامت محیط خانوادگی از تحریکات جنسی، جداسازی محیط استراحت والدین را توصیه می کند و حتی زمان خلوت والدین را مشخص می کند و آن را به عنوان زمینه ای مهم در آغاز برنامه ریزی تربیتی خانواده، مطرح می نماید.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نور، آیه ۲۷)

دقت رفتاری والدین در کنترل فرزندان از طریق تنظیم و کنترل وسایل ارتباط جمعی، رسانه های تصویری و مکتوب، روابط دوستانه و فامیلی باید تا بدانجا باشد که عادات تربیتی صحیح را در کودک استمرار بخشد.

بزهکاری، و انحراف فرزندان غالباً ریشه در سهل انگاری و بی توجهی والدین دارد. البته نباید از نظر دور داشت که مطبوعات، صدا و سیما و... بر تضعیف کارکرد خانواده مؤثر بوده اند و بجای این که در راستای نهاد خانواده گام بردارند به عنوان نهاد جایگزین و حتی معارض با آن عمل کرده اند.

وقتی بر استقلال رأی جوان به صورت افراطی تأکید می شود منجر به کاهش نقش هدایتی خانواده خواهد شد. در این صورت دختران و پسران در برقراری ارتباط و نحوه پوشش و رعایت عفت و پاکدامنی، خود را آزاد می دانند و نظارت و مراقبت والدین را پذیرا نیستند.

۲. ر. ک. فتاحی زاده، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، ۱۳۸۶: ۵۶-۵۴.

۳. کم توجهی به هدایت زمینه های طبیعی میل به خودنمایی در زنان

هدایت و جهت دهی گرایش به تبرّج آن قدر مهم است که اگر به موقع انجام نشود، جامعه را گرفتار ابتذال خواهد کرد. چون در این صورت، حضور زن در صحنه اجتماع، حضوری جنسی خواهد شد و امنیت جامعه و استحکام خانواده را به هم می زند.

«البته خودآرایی و تزئین در زنان، امری طبیعی است، و در فرهنگ اسلام، تمایلات و غرایز انسانی به هیچ وجه منفی تلقی نمی شود و سعی بر آن است که با شیوه صحیح نگرش به تمایلات و ارضای مشروع آن، انسان را در جهت تکامل سرعت بخشد. در این راستا، به زن توصیه می کند گزینه خودآرایی را جهت دهد و آن را به محارم به ویژه همسر خویش اختصاص دهد.» (فتاحی زاده، ۱۳۸۶: ۸۱-۸۰)

هدایت و جهت دهی این گزینه، آن قدر مهم است که اگر در موقع مناسب خود انجام نگیرد، جامعه را گرفتار کج روی و ابتذال خواهد نمود. جلوه گری زن و صرف انرژی و توان در جهت جلب رضایت و توجه مردان یکی از نمودهای این ابتذال است، که نهایتاً زبونی و حقارت قشر زن را در پی دارد چرا که محیط اشتغال را به محیطی همراه با تبرّج و لطافت تبدیل می کند و بخشی از نیاز مرد را در محیط اجتماعی اشباع می نماید و بازیچه مردان هوس باز می شود.

البته برخی گفته اند اشتغال زن و اختلاط وی با مردان جهت تأمین نیازهای مادی و اقتصادی، باعث آسیب وارد شدن به عفاف وی و ایجاد فساد جامعه می شود. در پاسخ باید گفت چنانچه زن مقید به حفظ حجاب و عفاف و پاکدامنی خود باشد اشتغال وی تاثیری در باورها و رفتار او نخواهد داشت و اگر زنی پایبند به اصول اخلاقی نباشد عدم اشتغال و خانه نشینی، کمالی را برای او و جامعه به ارمغان نخواهد آورد.

لذا روابط اداری و اقتصادی زن و مرد در محیط کار به عنوان دو انسان، به منظور انجام خدمت و وظیفه ای که به عهده دارند با روابطی که بر اساس امیال نفسانی و جنسی است، بسیار متفاوت است. مضاف بر اینکه می توان با ایجاد مقررات مناسب در محیط کاری زن و مرد، تدابیری اتخاذ نمود تا با رعایت آن سلامت اخلاقی محیط کار هر چه بیشتر فراهم شود.

اگر توصیه به عدم اشتغال و قبول مسئولیت های اقتصادی زن و گوشه گیری وی به منظور خودسازی است باید دانست بهترین شیوه خودسازی، قرار گرفتن در محیط اجتماع و مقاومت در برابر عوامل انحراف آلود و پرهیز از انجام گناه است.

در حقیقت اسلام زنان و مردان مسلمان را از نگاه حرام به یکدیگر بازداشته است. این توصیه به معنای بستن چشم ها نیست بلکه مقصود خیره نشدن و نگاه عاری از شهوت است.

قرآن کریم در سوره احزاب آیه ۳۲ می فرماید:

«... فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا.»

«در سخن گفتن رقت زنانه و شهوت آلود که موجب تحریک طمع بیماردلان می گردد به کار نبرید و به خوبی و شایستگی سخن بگویید.»

مطلبی که از این آیه استفاده می شود و یک حقیقت جاودانی است این است که «زن مسلمان باید آن چنان در میان مردم رفت و آمد کند که علائم عفاف و سنگینی از آن هویدا باشد و با این صفت شناخته شود، و در این وقت است که بیماردلان که دنبال شکار می گردند از آنها مأیوس می گردند و فکر بهره کشی از آنها در مخیله شان خطور نمی کند.» (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۷۷)

از دیدگاه اسلام «زنان نباید به گونه ای گام بردارند که زینت هایشان نمایان شده، مردان را به خود متوجه کنند. عفاف، خصلت نیکی است که وجود آن برای زن و مرد به یک میزان ضروری است اما تأکید بیشتر زنان بر آتصاف به این صفت به این دلیل است که زن به دلیل ظرافت و زیبایی مخصوص بیشتر مورد تهدید واقع شده و در معرض خطر قرار دارد و بخصوص در فعالیت های خود در خارج از خانه باید به این نکته دقت بیشتری مبذول نماید.» (شریعت پناهی، بی تا: ۱۸۶)

بنابراین درمی یابیم که اسلام برای آراستگی و زیبایی اهمیت خاصی قائل است و آن را یک صفت و منش خدایی می داند. میل به آراستن خود برای زیبایی و جلوه گری به ویژه در نهاد زن بنابر مصالحی بنا نهاده شده که باید در مسیر صحیح و جهت تعالی خود او و خانواده قرار گیرد. دین اسلام با نهی از تبرج (استعمال بوی خوش، لباس شهرت، تشبه و تماس مستقیم یا مصافحه) در حقیقت جواز حضور زن در اجتماع را صادر کرده و با این شرط حضور، متضمن پیشگیری از مفاسدی شده است که حضور بی قید و شرط زن در کلیه عرصه های اجتماعی و اقتصادی فراهم می آورد.

۴. سیاسی شدن موضوع حجاب

حجاب زن در تهاجم چند جانبه استکبار به جوامع اسلامی، آشکارترین نماد تظاهر دینی محسوب می شود و حجاب زن مسلمان، شعار و نشانه حفظ حیثیت ایدئولوژیک کشورش است و از تاکتیک های مؤثر علیه استعمال به شمار می آید. حال که حجاب سیاسی اصیل به عنوان یکی از اصول نمادین مبارزه در عرصه انقلاب جهانی اسلام به ثبت رسیده است، متأسفانه بدحجابی سیاسی هم به عنوان آشکارترین نماد تظاهر ضد دینی، ظهور تدریجی خود را به نمایش گذاشته است.

آبخور این بدحجابی، توطئه های فرهنگی دشمنان اسلام در جامعه اسلامی است که در جهت مبارزه با نمادهای اجتماعی اسلام پی ریزی شده است. بنابراین، بدحجابی سیاسی ترفندی است از سوی مخالفان اسلامی که به قصد بی ارزش کردن ارزش های برخاسته از اسلام صورت می گیرد و هدف از آن بی اعتنائی به سیاست های فرهنگی و اجتماعی نظام اسلامی است.

در حقیقت استعمارگران و سرمایه داران تلاش می کنند تا زن را از جایگاه الهی خود خارج نموده و آن را وسیله ای برای رسیدن به آمال پلید و غیرانسانی خود قرار دهند. امروز آن ها نقش فعالی را در افساد جوامع به بخشی از زنان واگذار می کنند. تلاش برای کشف حجاب، تأکید بر ترویج بی حجابی و ترس استعمارگران از حجاب زنان مسلمان دقیقاً به همین امر بر می گردد و خلاصه اینکه زنان نقش اساسی و کلیدی در سعادت و خوشبختی یا شقاوت و بدبختی جوامع دارند. این اهمیت ایجاب می کند که برای حفظ و ارتقاء این جایگاه و مصون نگه داشتن آن، مورد توجه قرار گیرد و ابعاد وجودی آن بررسی شود و از انحراف و سوء استفاده از آن جلوگیری گردد.

۵. به کارگیری روش های غلط برای گسترش حجاب

سلیقه ای عمل کردن و تأکید و تکیه بر آداب و عادات غیراصیل، نقش مهمی در جهت بدبین کردن مردم نسبت به حجاب ایفا نموده است.

«تصویری که از زن در جوامع اسلامی عرضه می شود و نحوه نگرش و برخورد با منزلت زن، همه گویای این مطلب است که التقاط و انحرافی صورت گرفته است. به این معنا که برخی از احکام دینی با آداب و سنت ناصوابی که بعضاً ریشه در جاهلیت نخستین دارد، درآمیخته است و مسلمانان باید به عنوان مالکان برترین میراث دینی، فهم دینی را از رسوبات فرهنگ های جاهلی و سنت های غلط بپیرایند.»

(شمس الدین، بی تا، ج ۱: ۴۳)

مصلحان واقعی جوامع یعنی انبیاء نسبت به عرف زمان خودشان دست به اصلاحات زدند و دیدگاه های ناصواب را تغییر دادند. پیامبر گرامی اسلام (ص) با عرف مقابله نمود و هویت از دست رفته زن را به جامعه بازگردانید و دستورات الهی را در همسانی زن و مرد به مردم ابلاغ نمود.^۳

بدین ترتیب، یکی از واقعیت های تلخ جوامع اسلامی، دیدگاه های افراطی و گرایش های نادرستی است که به عنوان مذهب و عرف اسلامی درباره مسایل زنان رواج داشته است. تبیین ناهنجاری ها و اثرات سوئی که بر این نگرش مترتب است، به سادگی امکان پذیر نمی باشد چرا که بسیاری از مصادیق این مسأله به عنوان ارزش تلقی می شود، البته این مهم از منظر اندیشمندان مخفی مانده و نسبت به آن هشدار داده اند.

یکی از نویسندگان از انحرافی که در جوامع اسلامی رخ نموده، داد سخن می زند:

۳. ر.ک. صدوق، ۱۴۰۲: ۱۶۵؛ حر عاملی، ۱۳۹۱، ج ۱۴: ۹.

«مسلمانان در برخورد با زنان از مسیر تعالیم شریعت اسلام منحرف گشته و روایات مدسوس و مجعول در بین آنان گسترش یافته، از این رو، زن مسلمان در ورطه ی جهل و غفلت از دین و دنیا سقوط کرده است. آموزش زنان گناه عظیم شمرده می شود، رفتن به مسجد ممنوع و اطلاع او نسبت به اوضاع و احوال فرهنگی - اجتماعی و سیاسی امری بعید تلقی می شود.» (ابوشقه، ۱۴۱۰، ج ۱: ۵)

این در حالی است که زن دائماً گرفتار نگرش افراطی و تفریطی بوده و رفتار عادلانه را کمتر تجربه کرده است. بر این اساس، توصیه به رعایت حجاب در محیط های زنانه، تأکید بر گونه خاصی از حجاب بدون توجه به شرایط آب و هوایی و منطقه جغرافیایی و بافت فرهنگی را می توان نموده های نگرش افراطی دانست.

عملکرد رسانه ها

ترویج فرهنگ مصرف گرایی و آزادی مطلق زنان در غرب و برخی جوامع اسلامی به عنوان اهرم های پیشرفت در راستای تأمین منافع بنگاه های بزرگ غربی با نگاهی ابزارگونه به جنس زن و جامعه ی انسانی از جلوه های ناتوی فرهنگی است. به بیان دیگر ناتوی فرهنگی وسیله و روشی در دست استعمارگران نوین است. در گذشته استعمال با لشگرکشی محقق می شد و با تحکیم نظام مبادرت به اعمال سلطه استعمارگران می شد اما امروزه از طریق کنترل اهرم هایی کلیدی مانند فرهنگ عمل می کنند. فرهنگ به تعبیر مقام معظم رهبری بی صدارتین و مخرب ترین ابزار حمله دشمنان است^۴ و سخن امام خمینی (ره) راه گشاست که فرمودند: **ما یه ی خوشبختی و بدبختی همه ی جوامع در فرهنگ آنهاست.**^۵

رسانه ها از مهم ترین ابزار ناتوی فرهنگی هستند که مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در این باره می فرمایند: امروز تأثیر رسانه ها و تلویزیون و اینترنت و ... از سلاح موشک و از بمب اتم بیشتر است. دنیای امروز چنین دنیایی است و روز به روز این میدان را گسترش می دهند. آرایش رسانه ای و فرهنگی که در مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار دارد بسیار پیچیده، متنوع، متکثر، کارآمد، فنی و پیشرفته است. ببینید برای رادیو، تلویزیون ها و شبکه های اطلاع رسانی که هدفشان کشور ماست، چقدر سرمایه گذاری شده است اگر آنطور که آنان پیش بینی کرده بودند، پیش می رفت و برنامه ای که بیست و پنج سال روز به روز دارند روی آن کار می کنند و توصیه می دهند، نتیجه می بخشید امروز باید اثری از اسلام و ایمان و جمهوری اسلامی باقی نمانده باشد.^۶

به طور کلی ابزارها را می توان به صورت ذیل دانست:

- خبرگزاری های بین المللی
- شبکه های ماهواره ای
- روزنامه های زنجیره ای
- ایستگاه های رادیویی
- ترویج مواد مخدر و قرص های روان گردان و حمایت از باندهای قاچاق
- ترویج فیلم و برنامه های مستهجن با تیراژ میلیونی و نازلترین قیمت
- تاسیس NGO در قالب محیط زیست، هنر، حقوق بشر و دموکراسی و زنان
- تألیف و توزیع کتبی در راستای اهداف شان^۷

^۴ . امیری، ۱۳۷۸: ۱۳۸۵.

^۵ . امام خمینی، ۱۳۷۳، ج ۸: ۱۱۲.

^۶ . امیری، مجموعه سخنرانی های مقام معظم رهبری در جمع کارکنان صدا و سیما، مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۸.

^۷ . معاونت پرورشی بسیج سپاه، ویژه نامه ناتوی فرهنگی، راهکارها و چالش های مقابله با آن، ص ۸.

اهم این ابزار صرفاً جنبه ی رایانه ای دارا هستند و در ایران نیز با هدف تغییر ساختار رسانه ای به کار رفته اند.

همچنین رسانه های تصویری در تغییر هنجارها و ارزش ها نقش مؤثری دارند به ویژه برنامه هایی که با مخاطب ارتباط بیشتری برقرار نمایند.

بی شک در روند پرشتاب توسعه جهانی، تکنولوژی ارتباطات با پیشرفت حیرت انگیز خود چهره جهان را دگرگون و در افکار، عقاید، آداب و رسوم، احساسات، تمایلات و توسعه جنبه های مشترک زندگی مردم یک جامعه اثر فراوان گذارده است. در این انقلاب ارتباطات، تعلیم و تربیت به منزله فرآیند تأثیرگذار در گزینش و انتقال فرهنگ تحولاتی را پذیرا گشته که وجه بارز آن ساختار زدایی است. در این میان زنان به عنوان نیمی از پیکره بشریت و جامعه انسانی از این انقلاب الکترونیک تأثیراتی را پذیرفته اند. به طوری که سنت های کهن مربوط به روابط و وظایف خانوادگی، تربیت فرزندان و روابط جنسی آنان را تغییر داده است. بر طبق نظر روان شناسان قسمت زیادی از یادگیری انسان از مشاهده است و در میان حواس پنجگانه آنچه از طریق حس بینایی تجربه شود، ماندنی تر و اثرگذارتر است. بنابر آمار داده شده، درباره یادگیری از طریق حواس در یک انسان معمولی ۷۵ درصد یادگیری از طریق بینایی و ۱۳ درصد از طریق شنوایی است. تلویزیون به دلیل کاربرد توأم دو حس بینایی و شنوایی، بیشترین درصد یادگیری (۸۸ درصد) را داراست. بنابراین تلویزیون نسبت به سایر رسانه های تصویری اثرگذارترین رسانه می باشد. رسانه های جمعی خصوصاً تلویزیون دارای اعتبار اجتماعی هستند و آنچه از طریق این رسانه ها مورد بررسی قرار می گیرد، به نوعی دارای همان اعتبار اجتماعی می شود. با توجه به اینکه تلویزیون بیشترین مورد استفاده را در بین اقشار جامعه دارد، وسیله ای قابل دسترسی برای عموم مردم است که در هر سطح از سواد و فرهنگ از آن استفاده می کنند، می توان گفت که تلویزیون با این کاربرد وسیع بر افراد و در مرحله بعد بر خانواده و در یک گستره وسیع تر بر جامعه تأثیرگذار خواهد بود.

گاهی برنامه های تبلیغی و فرهنگی، زمینه تحقیر زنان و تضعیف موقعیت آنان را فراهم نموده است. از این رو، مناسب است با اجتناب از عرضه برنامه هایی که زنان را به سوی جلوه گری سوق می دهد و همچنین با پرهیز از نمایش زنان در فیلم ها و سریال ها و ... به عنوان انسان هایی کم بهره از معرفت، احساسی و منفعل و فاقد هویت، بر جایگاه واقعی آنان تأکید نموده و زمینه های تعالی آنها را فراهم سازند.

رعایت وقار و متانت و حفظ پوشش که ضامن مصونیت اخلاقی و روانی زن به هنگام حضور در عرصه های اجتماعی است، بعضاً در میان هنرپیشگان مورد بی مهری قرار گرفته و حجاب سنتی و اصیل تحقیر شده است. ریشه ی چنین نگرشی را باید در عدم آگاهی و یا ضعف اعتقادی برخی دست اندرکاران رسانه ای دانست. به نظر می رسد نهادهای فرهنگی باید بیش از پیش به تربیت هنرمندان و هنرپیشگان متعهد به مبانی اعتقادی بپردازند تا حفظ ارزش های دینی نه به عنوان تحمیل قانونی، بلکه به عنوان باورهای قلبی و تمایلاتی خودجوش متجلی شود.

«در این راستا استفاده ابزاری از رسانه های مختلف و دیگر ابزار تبلیغاتی ژورنالیستی از جمله ساخت فیلم، کتاب و مجلات مختلف و بکارگیری آخرین روش های علمی، روانشناسی و علوم تربیتی و دیگر شیوه ها، نیز رواج یافته است. اینها همه حاکی از آن است که نسل جوان ما در معرض هجومی های پیدا و پنهان قرار گرفته تا از باورهای اصیل و انسان ساز اسلامی دور نگاه داشته شود و یا حداقل با نگاهی خوش بینانه اسلام را با تفسیری غرب پسندانه، نصب العین قرار دهد. با عنایت به اینکه نسل جوان ما در برهه های حساس همیشه پیشتاز بوده و آینده ایران اسلامی نیز باید به دست این عزیزان ورق زده شود، بر متولیان فرهنگی کشور فرض است که در راستای شناختن و شناساندن اندیشه های وارداتی انحرافی، گام های مؤثر و پرشتاب بردارند. چرا که امروز بر ما آشکار شده که دشمنان ما عزم جزم کرده اند که باورهای خود را که به پوچی رسیده، به فضای ایران اسلامی نیز سرایت دهند و در این راستا از هر ابزاری، مشروع و غیرمشروع، سود می جویند.» (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۱۷۶)

نتیجه گیری

مسأله پوشش و حجاب یکی از مسائل مهم و اساسی جوامع اسلامی است و آن را می توان به عنوان نماد حیات اسلام در عرصه های مختلف اجتماعی به شمار آورد. در این راستا بایستی با یک سیاستگزاری و برنامه ریزی صحیح، با عواملی که این نماد دینی را با چالش ها و تهدیدهای جدی روبرو ساخته، به مبارزه پرداخت و تا حد امکان آن ها را از میان برداشت.

البته سیاستگزاری و برنامه ریزی صحیح زمانی امکان پذیر است که با لحاظ جامعیت دین، معضلات اساسی جامعه و آسیب ها شناسایی شود و در جهت رفع مشکلات فرهنگی جامعه گام های اساسی برداشته شود.

یکی از معضلات فکری و فرهنگی جوامع، عدم شناخت و آگاهی زنان نسبت به هویت واقعی خود و تمایزات و تفاوت های روحی و جسمی خود با مردان است و تا هنگامی که این آگاهی حاصل نشود نمی توانند ارزش خود را بشناسند. بدیهی است ارائه برنامه های آموزشی و تشویق بانوان به فراگیری و اهتمام نسبت به مسایل مربوط به خویش تا حدودی می تواند در رفع این معضل، مفید و مؤثر باشد.

بی تردید زنان نقش اساسی و کلیدی در سعادت و خوشبختی یا شقاوت و بدبختی جوامع دارند این اهمیت ایجاب می کند که برای حفظ و ارتقاء این جایگاه و مصون نگه داشتن آن، مورد توجه قرار گیرد و ابعاد وجودی آن بررسی شود و از انحراف و سوء استفاده از آن جلوگیری گردد. چرا که نقاب خوشبختی اجتماع به حجاب و ارزش زنان آن بستگی دارد و بازگشت به درون خویش از طریق پاکدامنی و عفت مادران ما شکل می گیرد و شکوفا می گردد.

بنابراین بحث عفاف و حجاب موضوعی نیست که بشود تنها از منظر دینی و مذهبی بدان نگریست بلکه هم اکنون صاحب نظران در عرصه علوم مختلف مانند جامعه شناسی، روان شناسی و زیست شناسی نیز بر لزوم احیای فرهنگ آن در بین افراد خصوصا زنان تأکید دارند و رابطه مستقیمی را بین سلامت روان و حجاب و عفاف برقرار می کنند و هرچه قدر میزان پابندی افراد به حجاب و عفاف بیشتر باشد، اعتماد به نفس، امنیت و آرامش بیشتری در بین آنان ایجاد می شود.

همچنین نباید فراموش کرد به ویژه در بحث رهایی جامعه زنان از جاهلیت مدرن و ناکارآمدی الگوهای بیگانه می توان با تکیه بر اصول اسلامی، زنان را به یک خود باوری در عرصه فعالیت های مهم و سرنوشت ساز و تعلیم و تربیت جامعه انسانی رساند و شأن مادری را به افق اعلائی خود نزدیک ساخت و با تبیین این مسأله که با محوریت شرط تناسب در نظام های حقوقی می توان به عدالت واقعی دست یافت از تنش های موجود میان جامعه اسلامی در بحث حقوقی جلوگیری کرد همچنان که کتاب آسمانی و رهایی بخش ما قرآن کریم افق اعلائی جایگاه زن و مرد را اینطور ترسیم می کند:

«من عمل صالحاً من ذکرٍ او أنثی وَ هو مؤمن فَلْنُحِیْهِ حَیْةً طَیْبَةً وَ لَنَجْزِیَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا کَانُوا یَعْلَمُونَ.»

«هر یک از مرد و زن که کار نیکي به شرط ایمان به خدا به جای آرد ما او را در زندگانی خوش و با سعادت زنده می گردانیم و پاداشی بسیار بهتر از عمل نیکي که کرده به او می دهیم.»

در حقیقت آنچه پندارهای دینی و اخلاقی را به عنوان شاخصه ها و الگوهای اجتماعی فراگیر می سازد رفتار جمعی و مخلصانه مدعیان است. تا زمانی که ما زهد و انفاق و سایر شئون اسلامی را در متن زندگی اجتماعی و فردی خود پیاده نکنیم و عاشقانه به سیره ائمه معصومین (ع) اقتدا ننماییم هرگز ارزش های دینی و اخلاقی عمومیت پیدا نمی کند و تا زمانی که عمومیت نیابد جزء فرهنگ جامعه نمی شوند. خانواده متشکل از افراد و جامعه تشکیل شده از خانواده ها می باشد که تأثیرپذیری هر کدام از این جزئیات باعث پدید آمدن تغییر و تحول در کلیات است. بر اساس نظام فکری اسلام، خانواده مهمترین نهاد کوچک اجتماعی است و زن رکن اصلی و اساسی آن. یک زن در خانواده کوچک خود ایفا کننده ی نقش های متفاوتی است. از آنجا که یک شخص ذاتاً نیازمند به الگو برای رسیدن به مقصد و هدف خود است، زن با توجه به علایق و ارزش های طالب خود، هنگامی که مخاطب رسانه ای با عنوان تلویزیون قرار می گیرد، متناسب با همان طرز فکر سعی در یافتن الگویی برای نظام رفتاری خود می کند و گاه این الگوپذیری از تلویزیون در بردارنده سعی و تلاش نخواهد بود، چرا که در واقع مطالب رسانه ای دارای وجه و اعتبار اجتماعی هستند. حال هر الگویی که زن از رسانه بگیرد، چون در تعامل با همسر و فرزندان است، اگر این الگوهای رفتاری مثبت باشد به همان تناسب رفتار الگوگیرنده با اطرافیان و فرزندان آنها که جزئی از اجتماع بزرگ هستند، مثبت خواهد بود و اگر الگوی گرفته شده به نوعی با هنجارهای اجتماعی اسلامی ناسازگار باشد، تأثیر آن ابتدا به افراد پیرامون زن و در مرحله بعد بر جامعه ای است که آنان در آن زندگی می کنند، لذا می بایست تفکر زنان وسیع شود تا آرمان ها و ارزش هایشان وسعت

بگیرد و در سایه آن آرمان های بلند، جامعه ای مترقی و کمال یافته داشته باشیم و رسانه ای چون تلویزیون سعی در ارائه الگوهایی مناسب برای جامعه داشته باشد تا جامعه را بتواند به سوی کمال (هدف خلقت) رهنمون سازد.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۴.
- آیت اللهی، زهرا، زن و خانواده، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی- اجتماعی زنان، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ابوشقه، عبدالحلیم محمد، تحریر المرثه فی عصر الرساله، کویت، دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
- امام خمینی، روح الله، صحیفه نور، انتشارات انقلاب اسلامی، ۸ جلد، ۱۳۷۳.
- امانی، محمدعلی، ناتوی فرهنگی چیست، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
- امیری، رضا، مجموعه سخنرانی های مقام معظم رهبری، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ سوم صدر، ۱۳۷۸.
- امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق.
- حیدری، معصومه، آداب رفتار با دختران، کاشان، انتشارات محتشم، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- درویزه، زهرا، بررسی رابطه همدلی مادران و دختران دانش آموز دبیرستانی و اختلالات رفتاری دختران شهر تهران، فصل نامه مطالعات زنان، سال اول، زمستان ۱۳۸۲.
- سادات، محمدعلی، راهنمای پدران و مادران، تهران، دفتر نشر فرهنگی اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
- سعیدی، محسن، ناتوی فرهنگی و ضرورت توجه به آن، سایت بصیرت ۸۷/۲/۲۳.
- شریعت پناهی، ژیلا، تحلیلی نو بر حقوق زن، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، بی تا.
- شمس الدین، محمد مهدی، مسائل حرجه فی فقه المرثه، بی جا، مؤسسه المنار، بی تا.
- صدوق، محمد بن علی، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۲ ق.
- فتاحی زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
- _____ زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- فرهادیان، رضا، والدین و مربیان مسئول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- گل محمدی، فرهود، مکتب آموزشی ترویج رهیافتی ضروری در فقرزدایی و بهبود مشارکت و جایگاه زنان در نظام های تولید روستایی ایران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، چاپ در مجموعه چکیده مقالات، ۱۳۸۳.
- مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۰.
- مظاهری، علی اکبر، هشدارهای تربیتی، قم، انتشارات هجرت، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
- معاونت پرورشی بسیج سپاه، ویژه نامه ناتوی فرهنگی، راهکارها و چالش های مقابله با آن.
- وندی شلیت و نانسی لی دموس، دختران به عفاف روی می آورند، ترجمه و تلخیص سمانه مدنی و پریسا پورعلمداری، قم، نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۸.

